

دو صد گفته چو نیم کردار نیست

منبع: روزنامه شرق، صفحه اندیشه، روز یکشنبه، مورخ: ۱۹/۱۰/۵

۱. اخیراً هنگام تردد در سطح شهر تهران توجهم به تابلوهایی جلب شده که به وسیله شهرداری در خیابان‌ها و بزرگراه‌ها تعبیه شده و پیش چشم شهروندان قرار گرفته است. تابلوهایی که عموماً متضمن پند و نصیحت‌های اخلاقی هستند و قاعدتاً قرار است یادآور نکات و آموزه‌های اخلاقی چندی باشند؛ آموزه‌هایی که در عمل بکار بسته شوند و بروز و ظهور کنش‌های اخلاقی شهروندان را به‌مراه داشته باشند.

۲. به نظر نمی‌رسد که این کار در مقام عمل چندان وافی به مقصود باشد و واضعان این طرح در محقق ساختن ایده‌های خویش کامیاب باشند. عموم روان‌شناسان و فیلسوفان اخلاق بر این باورند که اولاً تأکید مضاعف بر امور اخلاقی و راه وعظ و نصیحت مکرر را در پیش گرفتن چندان رهگشا نیست؛ چرا که رفته رفته در مخاطب حساسیت‌زدایی اخلاقی و در ادامه مقاومت اخلاقی پدید می‌آورد، ثانیاً تأثیر عمل اخلاقی بسی بیش از گفتار و سخن اخلاقی است. هنگامیکه کسی انجام یا ترک فعلی را به عیان و در مقام عمل ببیند، تحت‌تأثیر قرار خواهد گرفت و به فکر و تأمل واداشته خواهد شد تا اینکه مکرر در مکرر بشنود که فلان کار بد است و ناروا و بهمان کار خوب و موجه، که: دو صد گفته چو نیم کردار نیست.

چندی پیش در یکی از متون مربوطه به فلسفه اخلاق می‌خواندم که دختر بچه‌ای که در دبستانی درس می‌خوانده، متأسفانه دچار بیماری سرطان خون شده بود و بالاجبار شیمی‌درمانی را آغاز کرده بود. بر اثر شیمی‌درمانی، موهای سرش به طور کامل ریخته و از این بابت در میان همکلاسی‌ها و هم‌مدرسه‌ای‌ها انگشت‌نما شده بود. دختر بچه‌های هم سن و سال او نیز از روی غفلت و سهل‌انگاری این دختر را بخاطر ریخته شدن موهای سرش مرتب مسخره می‌کردند. کار به جایی رسید که مادر و پدر این دختر به مدرسه آمدند و مشکل را با مسئولین مدرسه در میان گذاشتند. معلمین هم قول مساعد دادند که این عمل زشت و ناروا دیگر تکرار نخواهد شد. پس از آن معلمین دانش‌آموزان را نصیحت کردند و قبح و بدی این عمل را به ایشان متذکر شدند. اما این سخنان مؤثر واقع نشد و آزار و اذیت همکاسی‌ها ادامه داشت. این نوبت والدین دختر مصر بودند که دخترشان را از آن مدرسه به جای دیگری ببرند. یکی از معلمین از والدین تقاضا کرد که چند روزی به او فرصت دهند و در صورت عدم رفع مشکل، دختر بچه را از مدرسه ببرند. والدین با تقاضای معلم موافقت کردند. فردای آن روز

معلم سر کلاس رفت؛ هنگامیکه کلاه خود را برداشت، دانش آموزان با تعجب یکدیگر را نگاه می کردند؛ معلم تمام موهای خود را زده بود و بسیار شبیه دخترک سرطانی شده بود. سکوتی معنادار بر کلاس حکمفرما شد. در این میان معلم تنها به گفتن این سخن بسنده کرد که موی کوتاه داشتن فی نفسه عیبی ندارد؛ اینگونه هم می توان زندگی کرد و درس خواند و ادامه تدریس خود را پی گرفت. پس از آنروز برخی از همکلاسی ها، به نشانه همدردی، موهای سر خود را کوتاه کردند و سایرین نیز دیگر دخترک بیمار را اذیت نکردند. آنچه مؤثر واقع شده و تکان دهنده بود، کنش و رفتار معلم بود، نه گفتار او. در کثیری از موارد، تأثیر اخلاقی آنچه در عمل دیده می شود، عملی که از آن بوی صدق و خلوص به مشام می رسد، با آنچه گفته یا شنیده می شود قابل قیاس نیست.

۳. لازمه این سخنان این نیست که فایده تی بر وعظ و نصیحت کردن مترتب نیست؛ اما نصیحت کردن کسی که در مقام طلب و پرسش نیست و دلمشغول شنیدن سخنان عمرو و زید نمی باشد، چندان مفید فایده نیست. به نظر می رسد کاستن از حجم توصیه و نصیحت اخلاقی مستقیم و مهیا کردن بستری که در آن اعمال اخلاقی موجه از فاعلان اخلاقی به صرافت طبع صادر می شود، در مجموع مؤثرتر است. به یاد داشته باشیم که اگر قرار بود صرف تأکید بر آموزه های اخلاقی در مقام گفتار، معضلات اخلاقی ما را رفع می کرد که تاکنون باید این مهم به وقع می پیوست. پس مشکل اولاً و بالذات ناظر به عدم آگاهی و آشنایی نظری با مقولات اخلاقی نیست؛ که در کاهلی پیشه کردن و به کار نبستن آنها در مقام عمل است. بیش از سخن گفتن درباره اخلاق باید بکوشیم تا موانع رفع شود و فضایی مهیا شود که در آن شهروندان، اعمال اخلاقی صادقانه و بی شائبه را به سهولت مشاهده کنند. وظیفه ما بیش از این نیست. چنین است که شاید دخالت مستقیم نهادی نظیر شهرداری در این وادی، به نحویکه که ذکر آن رفت، اساساً مثمرتر و رهگشا نباشد.